

## جمهوری اسلامی و تبلیغات

### ترامپ

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

پرسشی در پوشش دلواپسی این روزها برای ایرانیان مطرح است. آیا آمریکا به ایران حمله نظامی میکند. ترامپ که خطری است برای صلح و نماینده ای است از سوی راست های افراطی در حوزه های مالی، تجاری و تولیدی. ترامپ این مظهر سقوط فرهنگی و شخصیتی (در حوزه فردی و سیاسی). اما فراموش نمیکنم که او صاحب پنجاه میلیون رای مردم امریکاست و بواقع چرا چنین شد. آیا او روی خشم طبقه کارگر، بیکاران و مال باختگان و ورشکستگی صنایع عمده به قدرت نرسید. آیا او با ما با بخشودگی مالیاتی برای شرکتهای بزرگ (۶ تریلیون دلار) به میزان ۱۰ تریلیون دلار مجدداً به بدهی دولت نیافزود. ضایع سنگین و مصرفی آمریکا در حوزه شمال به کسادی نرسیدند و صدها هزار کارگر در میشیگان و اوهایو و... به صف بیکاران پیوستند. او با ما که در مهار نظامی و تجاری کشور چین موفق نبود و متحدینی چون جمهوری اسلامی را انتخاب نمود. در حوزه اوکراین عقب نشست و سود سرمایه داران داخلی دچار کاهش چشم گیر شد. ما، اما که نه قدرت و نه امکان برخورد به ترامپ هارا ندادیم، همانطور که توانایی توقف بوش و او با ما در ساختن ابتدا القاعده و طالبان (بوش پسر) و بعد داعش (او با ما) را نداشتیم ولی باید پرسش را تغییر دهیم. آیا جمهوری اسلامی عاقبت موفق خواهد شد تا آمریکا را به جنگ و تهاجم علیه ایران بکشاند!

\*\*\*

بی شک جمهوری اسلامی که خود زاده بحران در روندگست مدرنیته در ایران و نتیجه یک تاریخ سراسر استبداد و آغشته فرهنگ مذهبی است، همواره با خلق حتی بحران های ظاهری توانسته سرپوشی بر نابسامانیهای عمده خود و مردم ایران گذارد. همواردی و رجز خوانی جدید رژیم بر بریت در رویارویی نظامی با آمریکا تصویر دیگری از این تناثر وحشت است که ظهور داند ترامپ به آن دامن میزند.

آنچه که مسلم است داند ترامپ نتیجه نارضایتی عمومی مردم آمریکا در حوزه های اقتصادی-سیاسی است. اقتصاد تولیدی امپراطوری آمریکا در حوزه صنایع سنگین و تولیدی و بویژه در شمال به ورشکستگی رسید. طرح نئولیبرال راهزنانه اگرچه ثروت های نجومی نصیب بخش مالی و تجاری نمود ولی خط تولید را تعطیل و بیکاری، گرانی و در بدری را نصیب صدها هزار نفر شاغل در حوزه های مذکور نمود. ۸ درصد نیروی کار حوزه دریاچه های پنج گانه چون اوهایو و میشیگان و پنسیلوانیا کار خود را از دست دادند (دردوران او با ما) و تولید ناخالص ملی سیر نزولی در پیش گرفت تا ایالات متحده آمریکا پس از چین و اتحادیه اروپا در مقام سوم قرار گیرد. شعار تغییر و برون رفتن اساسی از این اوضاع همه گیر شد ولی حزب دموکرات تنها به خانم کلینتن و دفاع از وضع موجود بسنده نمود!

\*\*\*

کسانیکه در آمریکا از نزدیک با ویژه گی های مردم شناسی و روحیات غالب بر جوامع متنوع آن آشنا هستند میدانند که چگونه ترامپ از سوی سفیدهای برتری طلب و تبعیض گرا حمایت فعال میشود این یک نکته ولی ورشکستگی اوضاع تولیدی و بیکاری و ضعف اقتصادی امپراطوری مسئله مهمتری بود. عجیب اینکه عده ای از ایرانی تباران که زمانی خود را در صفوف هواداری از سازمانهای چپ ایران جازده بودند به جای افشا این نابسامانیها مردم را به سوی اردوی خانم کلینتن دست راستی هل میدادند! پادوهای ارباب سرمایه شده اند و برخی خود سرمایه دار! امریکایی ها چون کانادایی ها در وجه غالب مسئله اقتصادی را سکان تعیین سمت و سوی آرا خود در انتخابات تعیین کرده اند به همین دلیل ساده نیز رهبران اتحادیه های زرد و کارگرفروش امریکایی اکنون به خدمت ترامپ ضدکارگر درآمده اند. دولت او با ما در وجه داخلی با سقوط تولید ناخالص ملی، بیکاری و گرانی و تعطیلی بزرگترین مجتمع های تولیدی حوزه ایالت های شمالی روبرو شد در وجه بین المللی یکی هم او با ما جمهوری اسلامی را به عنوان سکان قرار دادن اهرم سیاستهای خود در منطقه برگزید. امریکایی ها دیدند که کاخ سفید و کنگره آمریکا جولان گاه دلال های متفاوت (لابی گران) از جمله هواداران گسترش نفوذ جمهوری اسلامی است و در پناه یک ورشکستگی اقتصادی عمومی، رای به تنها آلت رناتیو موجود (ترامپ) دادند! ترامپ و دست راستی های افراطی اردوی او مخالف هرگونه هژمونی و سلطه کشوری در مناطق جهان (از جمله جمهوری اسلامی در خاورمیانه) هستند و خواستار معامله خود و مستقیم با هر کشور و مسئله و معضل بین المللی. ترامپ ها میوه حضور وزندگی برتری طلبان در آمریکا هستند که در بخشی مسلط، از فرهنگ تبعیض گرایی را نمایندگی میکنند.

\*\*\*

پس باید پرسش را درست مطرح نمود. آیا جمهوری اسلامی میتواند بهانه برای اردوی جنگ طلبان و رئیس جمهور ترامپ را فراهم آورد. که چنانچه پرسش را به سوی جمهوری اسلامی و عملکرد و خواست اردوی رهبری و سپاه و حامیان روسی آنها برگردانیم که شاید بتوان مثرمتر باشیم. اینکه افشا کنیم که هیئت حاکمه و دولت رئیس جمهور ترامپ چه موجودات تبعیض گرا، دست راستی و نماینده خطرناک ترین محافل مالی، تجاری، تسلیحاتی و نفتی هستند دردی را دوا نمیکند و آن پنجاه میلیون امریکایی که به ترامپ رای دادند از ما بیشتر به حقیقت امر واقف بودند. که ما باید سکان فشار را به سمت و سوی جمهوری اسلامی برگردانیم و از سکوی اشاعه حقایق و ارائه راه حل بگوییم که طرح های ترامپ برای عملی شدن یکی هم به بهانه های کافی نیاز دارد که افکار عمومی را بر آن محور آماده نماید. رزمایش های سپاه و عربده های سران بی مسئولیت احتمالاً بتواند راه را برای تحقق خواسته های کاخ سفید مهیا گرداند. چنانچه افکار عمومی بر محور اینکه آیا آمریکا به ایران حمله میکند متمرکز شود همان چیزی است که جمهوری اسلامی میخواهد. یعنی تولید یک خرده جنبش قلابی دیگر (علیه جنگ) و مظلوم نمایی و پوشش جاه طلبی های بیمورد آن در منطقه پرسش حمله آمریکا به ایران پوششی خواهد بود برای صرف میلیاردها دلار درآمد نفتی مردم ایران در بیابانهای سوریه، عراق، یمن و فربه کردن اخوندهای لبنانی و تروریستهای وابسته.

\*\*\*

برگردیم بر سر مسئله تصویر سیاست خارجی دولت جمهوری خواه ترامپ. کسانیکه در حوزه سیاسی، اقتصادی و بویژه روابط بین المللی (سیاسی و نه حقوقی) و در آمریکا تحصیل و تجربه دارند میدانند که سیاست خارجی آمریکا همواره یک تصویر ربع قرنی دارد. همواره اوضاع کنونی باید در جهت سناریوی کلی و آینده دار توجیه شود و هیئت های اجرایی که خارج از این برنامه ریزی

۲۵ ساله حرکت کرده اند بر سر نوشت های غم انگیزی رسیده اند. تصویر ربع قرن آینده به نظر من همان اوضاعی است که به کمک جانبی مسکو باید چین و فعالیت های هژمونی طلبانه و برتری جویانه آن در حوزه تجاری و نظامی مهار شود. اتحادیه اروپا ساقط یا تضعیف و امریکا بتواند از قدرت مالی سوم بودن رهایی یابد. در این مسیر هیچ برتری طلبی منطقه ای تحمل نمیشود و اگر به چین اجازه رهبری حوزه جنوب شرقی آسیا داده نمیشود (نظامی) در چهارچوب های تجاری هم باید فعالیت ها با تایید و زمینه سازی امریکا باشد. روسیه به لحاظ مالی و امکانات اقتصادی در اوضاع اسفناک تری است ولی بازی دوجانبه مسکو و واشینگتن گویی برای مدتی که چین مهار شود ادامه داشته باشد. آنها هرگز بهم نمیرسند ولی حضور روسیه در نقاطی که به او احتیاج است سبب وام گیری مسکو از واشینگتن میشود. که از جمله باید مسئله جمهوری اسلامی حساس شود و این خواست مسکو نیز هست که جماران بر طبل مرگ بر امریکای کپک زده خود بزند تا با درخواست واشینگتن شاید کمک روسیه سبب پایین کشیدن فتیله جمهوری اسلامی شود و کردیت و امتیازات دیگر برای پوتین.

\*\*\*

تا چه حد دولت ترامپ به بلندپروازی های خود ادامه میدهد را نمیدانم ولی یک نکته این است که امروز قاضی دادگاه سیاتل حکم به غیرقانونی بودن محرومیت سفر اتباع شش کشور به امریکا داد. یعنی چالش جدیدی برای ترامپ. فردا کدام سدها و موانع بلندپروازی ها او را محدود میکند راهم نمیدانم. ولی در عین حال میدانم که مطرح میکنم که چرا جمهوری اسلامی با آزمایشات موشکی و آزمایش ها بر طبل جنگ میکوبد. آیا همین تولید فضای دلهره سرپوشی نیست بر آن همه سرقت، جنایت و ورشکستگی و بیکاری و فقر همگانی! آیا مردم نباید خود را آماده تکان های غیرمنتظره کرده و هر حادثه ای را چون جرقه ای برای سازماندهی جنبشی برای بزرگشیدن رژیم بر بریت تجربه میکنند. در این فضا است که مسئولیت انقلابیون و آگاهان جامعه برای سازماندهی پایه حرکت های اعتراضی میشود. اگر پرسش را به سوی جمهوری اسلامی و چرایی هل مبارز زدن آن برگردانیم به نتایج بیشتر و بهتری میرسیم. اتفاقا طرح پرسش آیا امریکا به ایران حمله میکند باب میل رژیم است و سودهای فراوان از آن میبرد. بی شک رژیم اسلامی با جنبشی عمومی از سوی مردم به جان آمده سقوط میکند ولی در صورت آماده نبودن جایگزین آینده دار، توانا و مطرح، ارباب سرمایه به سرعت خلا قدرت دائر میکنند چرا که ایران هنوز کلید اوضاع منطقه است. که ترامپ ها جز سرکوب مردم و احیا صحنه برای سودآوری سرمایه چیزی نمیخواهند و این ما هستیم که باید از عکس العمل های زندگی کردن به سازماندهی روی آوریم و تشکیلات مبارزه برای تکان های بزرگ فراهم کنیم.





















